

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

سیری پیرامون چگونگی انکشاف اوضاع در کشور عزیز ما افغانستان

اندر باب جنبش‌های شورشی و حرکت‌های مردمی
در مورد ترکیب قومی کشور

چگونگی بررسی مشخصه‌های قومی و نژادی
طرح استدلال‌هایی بر بنیاد ادبیات اقتصادی
نوعیت ساختارها در کشور
بررسی دقیق اوضاع

بعضی‌ها بگونه ناشیانه، پایان ایدئولوژی را جشن گرفته، به تمام آرمان‌ها پشت پا زده و ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های آرمانی و انسانی را بموزیم‌های تاریخ سپردند، چرا که از نظر این افراد، دموکراسی تنها یک شکل بیشتر ندارد و بمثابة یک ظرف، فقط یک مظهر یعنی فقط "لیبرالیزم" برای آن مطرح می‌باشد.

قبل از همه، تذکر و یادآوری این مسأله لازمی بنظر می‌رسد که ساختار جامعه و تشکیل ملت بمفهوم وسیع کلمه، از پیچیده‌ترین پدیده‌های تاریخی، اجتماعی، جامعه‌شناسی و سیاسی محسوب گردیده که باترکیب ملی، ساختار اجتماعی، تشکیلات سیاسی، روابط و مناسبات فرهنگی و ده‌ها مسایل دیگر ارتباط دارد. ملت زمانی استحکام خواهد پذیرفت که همه عناصر متشکله آن بتواند از نقطه نظر منافع و زیست باهمی در توافق و اتحاد حقوقی، فرهنگی و اقتصادی قرار بگیرد. غرض بررسی و شناخت ملت می‌توان آنرا از طریق عمده‌ترین شالوده‌های آن که اقوام، گروه‌های اجتماعی جامعه و احزاب سیاسی اند، مورد مذاقه قرار داد.

وحدت ملی عبارت از اتحاد ارگانیک ملیت‌ها، گروه‌های اجتماعی و سیاسی کشور می‌باشد که بر اساس تفاهم متقابل زیر بیرق واحدی زندگی نموده و حیات بسر می‌برند.

با بحث در مورد کشور عزیز ما افغانستان، این پرسش مطرح می‌گردد که پس چرا و بکدام منظور جنبش‌های شورشی در اراضی کشور ما با بعرضه وجود گذاشتند؟ باین حساب، در مورد یادشده دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای دوگانه ای موجود می‌باشد. طرفداران نقطه نظر اولی علت عمده در مورد را ترکیب قومی افغانستان می‌پندارند. باشندگان کشور ما متشکل از گروه‌های قومی چهارگانه که دربرگیرنده پستون‌ها، ازبک‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و همچنان شامل گروه‌ها

ی قومی کوچک دیگری باشند.

این حقیقت کنون بیش از پیش مسلم گردیده است که اگر از دریاچه غیر از جنگ وزدو خورد های مسلحانه به کشور عزیز نگاه کنیم، کشور ما بدلائل متعددی می تواند یکی از دوست داشتنی ترین کشورهای جهان محسوب گردد، اما افغانستان را، بویژه پس از تهاجم ایالات متحده، با اعتماد بنفس، وارد کارزار نبرد و جنگ با تمامی رقبایش نمودند.

ببینید، ادعاهایی مبنی بر زمینه چینی های اقتصادی جنگ کنونی در کشور ما اصلن بی بنیاد بوده و صاف و ساده، بمثا به خاک زدن به چشم مردم محسوب می گردد. هیچکدام از نظریه های مطرح شده در مورد وضعیت کشور عزیز ما، به این مسأله که چرا جنبش ها و حرکت های اعتراضی و مخالفت ها آغاز گردید، پاسخ قناعت بخشی ارائه نمی نمایند. در این مقطع، قبل از همه، از اهمیت و نقش متباز و همچنان از موجودیت فاکتورها و عوامل دوگانه ای در زمینه نباید چشم پوشی بعمل آید. یکی از جمله عوامل فوق، ضعف حاکمیت در کشور محسوب می گردد که در نوع خود بمثابه پیش زمینه پیدایش جنبش ها و حرکت های اعتراضی در کشور پنداشته می شود. عامل دومی باز هم عدم توانایی رهبری حاکمیت سیاسی کشور در امر تأمین عمده ترین و ضروری ترین نیازهای مردم و باشندگان کشور، بویژه در مناطق روستایی، اهالی کشور از پشتیبانی و حمایت از دولت روبرو گردانده و بمنظور جانبداری از دیگران مبادرت ورزیدند. در این زمینه نباید فراموش نمود که حاکمیت سیاسی بگونه طبیعی دارای مجموعه ای از نهادها بوده که بکمک آنها به اداره دولت پرداخته، حفظ قانونیت و نظم و آرامش در کشور را تأمین نموده، به تنظیم آگاهانه استفاده و بکارگیری منابع موجود در کشور، تعقیب سیاست منطقی را در شرایط مشخص کشور تضمین نموده و مدیریت دولت و... را تحقق می بخشد. اما متأسفانه نهادها و مؤسسات فاسد و بی کفایت موجود، بگونه مثال پولیس و ارگان های تنفیذ قانون، در عرصه متذکره کوتاه آمده اند.

قابل تذکر پنداشته می شود که دسترسی شماری از افراد و اشخاص در دستگاه اداره دولت به طیف گسترده ای از منابع و امکانات موجود، سبب گردید تا منافع تعدادی از کشورهای مطرح، در زمینه و متن حوادث کشور ما نیز بر آورده گردد. ممکن حساس ترین و خطرناک ترین لحظه زمانی فرارسد که معاونت ها و کمک های سخاوتمندانه به شورشیان مسلح و گروه های مخالف، همچنان و بدون اندکترین دغدغه خاطری تداوم حاصل نمایند. این مسأله فراموش خاطر ما نگردد که به مجرد انجام عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ عملیات نظامی ایالات متحده علیه کشور عزیز ما مطرح بحث قرار داده شد.

دومین مسأله برای رهبران شورشی، فاکتور ایدئولوژی مذهبی بود. ملا محمد عمر بمثابه نخستین رهبر "طالب" ها و اسامه بن لادن و ایمن الظواهری، رهبران "القاعده"، بمنظور اعاده مناطق و کشورهای "اشغال" شده اسلامی، در مواضع جهاد قرا گرفته و بیش از هر زمان دیگر به آتش جنگ در کشور ما هیزم ریختند. آنها خواستار بازگشت به تفسیر رادیکال از اسلام و رهایی آن از ارزش ها و سنت های محلی گردیدند. رهبران "القاعده"، ملهم شده از ایدئولوژی شکل گرفته سید قطب، ایدئولوگ جنبش اخوان المسلمین کشور مصر و موافق با دیدگاه های سایر متفکران تفسیر اسلامی بوده که بر بنیاد تغییر را دیکال شریعت اسلام و مجموعه مذهبی اسلامی قرار دارد. نباید فراموش نمود که انگیزه های ایدئولوژیک، سبب ساز نارضایتی های روستائیان کشور در قبال عملکردهای مسوولان دولتی در محلات گردید. بدین ترتیب، در نتیجه می توان چنین پنداشت که فاکتورهای دوگانه ای بصورت مجموعه بهم پیوسته، زمینه های پیدایش حرکت ها و مخالفت های اعتراضی را ببار آورد که حضور دولت و رشکسته و موجودیت و اشاعه ایدئولوژی خطرناکی که بر اساس تفسیر های مذهبی از اسلام قرار داشت، خلای بوجود آمده را بیش از پیش وسعت بخشید. چنین بنظر می رسد که بمنظور درک بهتر مسأله مورد بحث و اخذ تصامیم، باید نظامیان خودی و قوت های نظامی خارجی موجود در افغانستان به مناطق دهاتی و محلات روستایی کشور، بیشترین توجه شان را معطوف نمایند.

قابل یاددهای پنداشته می شود سیر حوادث در کشور عملن به اثبات رسانید که حرکت های اعتراضی در کشور، در مقایسه با کابل، با آنچه در مناطق روستایی کشور ما اتفاق می افتد، ارتباط داشته و از چگونگی وضعیت موجود در منا

طق اخیر الذکر تأثیر پذیر می باشد.

هدف نبشته حاضر بگونه کلی به این امر خلاصه می گردد تا به انگیزه های شرکت کننده ها در حوادث جاری کشور و با مطالعه علل و اسباب بوجود آمدن و عرض اندام نمودن جنبش ها و اقدامات اعتراضی، به کنه مسأله مورد بحث وارد شده و به گل ماهیت عملکرد های آن پی ببریم. چرا مطالعه و بررسی مسایل مربوط به اوضاع کنونی کشور ما، مهم و با ارزش محسوب می گردد؟ قبل از همه باید متذکر گردید که کشور ما از نقطه نظر بسیاری از مسایل، مورد علاقمندی جامعه جهانی در رأس ایالات متحده قرار گرفته است. این واقعیت بهمگان واضح و مبرهن میباشد که اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر در کجا و در اراضی متعلق به کدام کشور سازماندهی گردیده و با معاونت های مالی، لوژیستیکی و تخصصی گروه های ساکن در آن طرف اقیانوس ها در عمل تطبیق گردید. پس از سرنگونی "طالب" ها، رهبران "القاعده" و "طالب" ها در مناطق و محلات قبایلی مرزی افغانستان - پاکستان مخفی گردیدند. در اینجا قابل ذکر پنداشته می شود که درصد توسعه تئوری در زمینه های فوق نمی باشم که چرا اقدامات اعتراضی و مخالفت آمیز در کشور ما آغاز گردید. در نبشته کنونی سعی بعمل آمده است تا جنبه های خاص جنبش های اعتراضی در کشور مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد. همچنان اگر چنین ابراز نظر نماییم که ترویج بحران و تداوم اوضاع نامطلوب در کشور روزتاروز وسعت می یابد، به یقین که تظاهر ننموده و سخنی بگزاره نگفته ایم، چه بحران عمل در عرصه های سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیه، صحت و در سایر امور مربوط، گسترش می یابد. حکومت ها و دولت های کشورهای مختلف، سازمان های بین المللی بویژه سازمان ملل و سایر سازمان های غیردولتی بمنظور ایجاد و توسعه زیرساخت ها و تحکیم موسسات و سازمان های دولتی کار اندکی انجام دادند. اما همه به این امر موافقت دارند که مطالب گفته آمده در فوق، بگونه کلی با هم مرتبط بوده و بر همدیگر تأثیر گذار نیز می باشند، از جمله آزادی های سیاسی (بشکل آزادی بیان و آزادی انتخابات)، بگونه منحصر بفردی در امر تأمین و حفظ ثبات اقتصادی موثر واقع می گردد.

فرصت های اجتماعی (بشکل تعلیم و تربیه و صحت) به اهالی کمک می نماید تا در امور حیات اقتصادی کشور سهم ورزند. فعالیت های اقتصادی (بشکل امکانات بمنظور شرکت در امر تجارت و فعالیت های تولیدی)، ممکن در امر توسعه سرمایه های شخصی و انفرادی و همچنان استفاده و بکارگیری از منابع داخلی کشور بمنظور ایجاد زیرساخت های اجتماعی موثر واقع گردد. مطالب و موضوعات متذکره در فوق، بگونه قطع از اهمیت منحصر بفردی برخوردار بوده و در امر برسی معضلات در حال گسترش امنیتی در کشور و آشکار نمودن دلایل اساسی بوجود آمدن چنین راهبردهای جامعه بین المللی در مورد اوضاع کنونی و وضعیت در کشور ما، ممد واقع می گردد.

در نبشته حاضر، به ترتیب زمانی، مراحل و دوره های تخریب تدریجی قدرت دولتی که از اواخر سال های ۶۰ آغاز والی سال های ۷۰ تداوم حاصل نمود، ردیابی گردیده است. ورود قطعات محدود نظامی شوروی به کشور ما طی سال ۱۳۵۸ بمثابه نقطه اوج پروسه یادشده محسوب می گردد.

در چنین وضعیتی که ایالات متحده انتظار آن را داشت، کارزار از دیاد کمک ها و معاونت هایش را به نیروهای مخالف حاکمیت سیاسی کشور ما آغاز نموده و در حالی که آتش جنگ از هرسو در کشور ما زبانه می کشید، با کمک های سخاوتمندانه ایالات متحده به مخالفان نظام، به وسعت و گستردهی جنگ برادر کشی در اراضی افغانستان روزتاروز افزوده می شد. بخاطرمی آوریم که جیمز ویلیز، رئیس سازمان "سیا"، طی سال ۱۳۷۲ در یک دایره کوچکی از استاد رهبری اظهار داشت: "شکست و فروپاشی اتحاد شوروی یکی از جمله مهمترین حوادث و وقایع تاریخ جهان محسوب می گردد."، همچنان با بررسی های "سیا" و دیگر سازمان های استخباراتی در ایالات متحده، جنگ در اراضی افغانستان طی سال های ۹۰ سده ۲۰، ارائه کمک به مجاهدین، ایجاد و پیدایش "طالب" ها و "القاعده" و اسامه بن لادن را مورد بررسی قرار دادند.

این مسأله قابل تذکر می باشد که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ مسأله سرنگونی "طالب" ها، موضوع ائتلاف کامل با دسته های ائتلاف شمال، گروه های عملیاتی "سیا"، نظامیان ویژه ایالات متحده با پشتیبانی و حمایه قوت های

هوایی آن کشور مطرح بحث قرار گرفت. همچنان بحث های گرمی در مورد "مداخله حداقل" در حلقهات رهبری کاخ سپید، پنتاگون، وزارت امور خارجه و "سیا" مبنی بر سهمگیری ایالات متحده در ساختار بعدی دولتی در کشور ما براه اندخته شد. اما همه ناظران حوادث کشور ما، در مورد هجوم نظامیان امریکایی و سقوط "طالب" ها و اینکه به چه نحوه ای رهبران و جنگجویان شکست خورده آنها بر راحتی و بدون اندکترین مانعی یا از مرزهای کشور ما به پاکستان فرار نموده و یا در مناطق سرحدی و قبایلی پناه داده شده و مخفی گردیدند، جای سوال دارد.

همچنان از مواردی چون شورش ها و فروپاشی قدرت دولتی در افغانستان و مشکلات و مصایب افغان ها از جمله در عرصه حفظ نظم و قانون، تأمین اساسی ترین نیازمندی های اهالی بویژه در مناطق و محلات روستایی کشور و... ، نباید چشم پوشی بعمل آید. بسیاری ها بر این امر تأکید می ورزند که از جمله عوامل و فاکتورهای مطرح در زمینه وسعت و گسترش اعتراضات و مخالفت ها در کشور، یکی هم ضعف حکومتداری و نبود مناسبات قانونی در عرصه حاکمیت سیاسی کشور، بویژه طی مدت زمان پنجاه سال اخیر محسوب می گردد.

همانطوریکه معلوم شد، بویژه ضعف حاکمیت بمثابه یک مجموعه، به فاکتور عمده و مهم ایجاد شورش ها و مخالفت های روز افزون در کشور مبدل گردید. همچنان در گسترش اقدامات ضد دولتی و دامن زدن به نارضایتی ها در کشور، نقش و اثرگذاری گسترده و همه جانبه عوامل و فاکتورهای خارجی را نباید نادیده گرفت که میتوان از جمله آنها عملکرد های "القاعده"، آی.اس.آی. و ارتش و قوت های مرزی پاکستان را در زمینه نامبرد.

بمنظور درک سهلتر تاریخ پیچیده افغانستان که در طول آن بگونه مکرر شاهد نابودی ارتش های متجاوز خارجی بوده ایم که شکست و تارومار شدن اردوی سکندر مقدونی در زمانه های قدیم تاریخی را می توان در این مورد متذکر گردید. در بدترین حالت چنین بنظر میرسد که ایالات متحده بگونه سریع با عین معضله و مشکل موجود در قبال امپراطوری های قبلی اما با اندکی تفاوت مواجه گردید. "افراز کمین ها، سازماندهی قتل های هدفمند، یورش به کاروان ها، تخریب پل ها"، انفجار لوله های انتقال آب آشامیدنی، بمب گذاری ها و... از جمله موارد متعدد نظامی و جنگی انجام شده در مورد را می توان برشمرد.

چندی قبل، یکی از اشخاص موظف و مسوول اجرای عملیات آی.اس.آی. طی سال های موجودیت قوت های نظامی شوروی در کشور مانوشت: "بدین ترتیب، کشوری که از زمان های دور بمثابه گورستان امپراطوری ها معروف گردیده است، اکنون تاریخ غنی اش خوبترین ابزار بمنظور ارزیابی آن توسط ایالات متحده محسوب می گردد."

جریان حوادث اتفاقیه در کشور، این حقیقت سرسخت را برملا می سازد که همه گروها، سازمان ها، حکومت ها و هر کدام از جناح ها و طرفهای مطرح در قضایای کشور ما بگونه مستقیم و غیر مستقیم در پی دستیابی به منافع و مصالح منحصر بفرد شان بوده و در این راه و در این مسیر در زدودن هرگونه مانع و سد تلاش خواهند ورزید. چنین وضعیتی از همان نخستین روزهای پیدایش نوع بشر در کره خاکی ما بوجود آمده و تاکنون با تغییراتی ولو کوچک و یا تحولات بزرگی، تمامی انسان های روی زمین را همراهی می نماید.

بمنظور ایجاد و تکوین تغییرات قابل توجه در این عرصه، نباید بگونه شتاب زده اقدام نمود، بلکه با در نظر داشت وضعیت منحصر بفرد بوجود آمده در کشور عزیز، موجودیت عوامل و فاکتورهای تشکیل دهنده چنین وضعیت، چگونگی موضعگیری حاکمیت سیاسی در کشور، نحوه موقف و موضع نیروهای بین المللی و در رأس ایالات متحده و هم پیمانانش، به تهیه نقشه راه و تنظیم و اجرای اقدامات سازنده و منطقی در زمینه مباردت ورزید.

بیش از این بر زخم های موجود نباید نمک پاشید و درد و رنج همیشگی را به هموطنان مصیبت دیده ما نباید به ارمغان آورد.